



Analysis of informal settlements from the perspective of space users and the impact of coronary heart disease (Case study: Golestan city, Tehran province)

Roghayeh VadaiehKheiri¹ & Ehsan Dorostkar²

1. Assistant Professor of Urban Planning, Robat Karim Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, rvkheiry@yahoo.com
2. PhD Student in Urban Planning, Faculty of Architecture and Art, University of Guilan, Rasht, Iran, edorostkar@phd.guilan.ac.ir

Abstract

Background and Aim: Informal spaces and informal settlements are expressed as a hidden contaminated space. This contamination is felt more naturally in other areas. On the other hand, every urban space needs a series of communications that can be complex or simple. Urban space with complex communications has a superficial layer of the type of interactions in the city. This space is a source of pollution due to its multiplicity and extensive connections with different people. Pollution is defined as the level of surface pollution that people leave with their communication in space. The aim of this research is to study and analyze the strategic relationship between coronary heart disease and its severity of impact on informal spaces and informal settlements.

Method: The present article investigates the effect of coronary heart disease in informal settlements with a quantitative and descriptive-analytical method. In this study, SPSS and SWOT software were used for analysis. The sample size in this project is estimated at 313 people who are city officials and specialists and residents of informal settlements in Golestan city in Tehran province.

Findings: Urban spaces, especially informal settlements, are one of the urban spaces with complex communications. Because the type of communication in such spaces due to economic, social and cultural conditions is much wider and much more polluted than other urban spaces. With the outbreak of coronary heart disease in 2020 (Covid 19), the conditions for this type of settlements, especially in Golestan city in Tehran province, became more critical.

Conclusion: The results show that coronary heart disease has a multifaceted and multilayered effect on such spaces. Informal settlements in the regions (Golestan city in Tehran province) are introduced as a source of superficial and functional pollution due to the high volume of traffic and lack of order and hygiene at the level of roads and settlements.

Keywords: informal settlement of areas, strategic analysis, access, corona, Golestan city, Tehran province

► **Citation (APA 6th ed.):** VadaiehKheiri R, Dorostkar E. (2021, Spring). Analysis of informal settlements from the perspective of space users and the impact of coronary heart disease (Case study: Golestan city, Tehran province). *Disaster Prevention and Management Knowledge Quarterly (DPMK)*, 11(1),55-66.

تحلیل سکونتگاه‌های غیررسمی از منظر کاربران فضا و تأثیرپذیری از بیماری کرونا (نمونه موردی: شهر گلستان، استان تهران)

رقیه ودایع خیری^۱ و احسان درستکار^۲

۱. استادیار گروه شهرسازی، دانشکده فنی و مهندسی، واحد رباط کریم، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) rvkheiry@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران edorostkar@phd.guilan.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: فضاهای غیررسمی و سکونتگاه‌های غیررسمی به عنوان یک فضای آلوده پنهان معرفی می‌گردند. این آلودگی در زمان طبیعی بیش از مناطق دیگر احساس می‌شود. از طرفی فضای شهری با ارتباطات پیچیده، یک لایه سطحی از نوع تعاملات در شهر را در بر دارد. این فضا به دلیل چندگانه بودن و ارتباطات گسترده با افراد گوناگون، منبع آلودگی مطرح می‌شود. آلودگی مد نظر از بُعد آلودگی سطحی بوده که افراد با ارتباط خود در فضا بجای می‌گذارند. هدف پژوهش، بررسی و تحلیل راهبردی ارتباط بیماری کرونا و شدت تأثیر آن بر فضاها و سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد. **روش:** مقاله حاضر با روش کمی و به صورت توصیفی-تحلیلی اقدام به بررسی تأثیر بیماری کرونا در سکونتگاه‌های غیررسمی نموده است. در این مطالعه از نرم افزارهای SPSS و SWOT به منظور تجزیه و تحلیل استفاده شده است. حجم نمونه در این پروژه تعداد ۳۱۳ نفر برآورد گردیده است که از مسئولین و متخصصان شهری و اهالی و ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی شهر گلستان در استان تهران می‌باشند.

یافته‌ها: فضاهای شهری و مخصوصاً سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر گلستان در استان تهران، یکی از فضاهای شهری با ارتباطات پیچیده است. چرا که نوع ارتباطات در این گونه فضاها به دلیل شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیار گسترده و بسیار آلوده‌تر نسبت به دیگر فضاهای شهری می‌باشد. با شیوع بیماری کرونا در سال ۲۰۲۰ (کووید ۱۹)، شرایط برای این نوع سکونتگاه‌ها و بالاخص برای شهر گلستان استان تهران بحرانی‌تر گردید. **نتیجه گیری:** نتایج نشان می‌دهند که بیماری کرونا تأثیر چند سطحی و چند لایه بر این گونه فضاها گذاشته است. سکونتگاه‌های غیررسمی (شهر گلستان در استان تهران) با توجه به حجم بالای تردد و عدم نظم و بهداشت در سطح معابر و سکونتگاه‌ها، به عنوان یک منبع آلودگی فرا سطحی و عملکردی معرفی می‌گردند.

کلید واژه‌ها: سکونتگاه غیررسمی، تحلیل راهبردی، دسترسی، کرونا، شهر گلستان استان تهران

◀ **استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم ۲۰۱۰):** ودایع خیری، رقیه؛ درستکار، احسان. (بهار، ۱۴۰۰). تحلیل سکونتگاه‌های غیررسمی از منظر کاربران فضا و تأثیرپذیری از بیماری کرونا (نمونه موردی: شهر گلستان، استان تهران). *فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران*. 11 (1)، ۵۵-۶۶.

مقدمه

در ایران شهرنشینی بی‌رویه و شتابان، بستر مسائل و معضلاتی را برای محیط‌های شهری فراهم کرده است. یکی از این مسائل مهم، رشد و گسترش حاشیه‌نشینی شهری است که جایگاه و اهمیت خاصی در پژوهش‌های شهری و اجتماعی دارد. مهمترین مسائل محلات حاشیه‌نشین، وجود فقر و بیکاری، نبود امنیت و وجود انواع آسیب‌های اجتماعی، بی‌عدالتی‌های اجتماعی-اقتصادی و عدم رسیدگی شهرداری به این محلات می‌باشد (نقدی و صادقی، ۱۳۸۵). گسست حاشیه‌نشینان از جامعه شهری و عدم تعلق شهروندی مانع مشارکت توسعه‌ای مردم این مناطق می‌گردد (محسنی، ۱۳۸۹). با توجه به حجم، وسعت و روند رو به افزایش این گونه سکونتگاه‌ها ضروری است که برای این مسأله چاره‌اندیشی شود. در فارسی لفظ راهبرد معادل مفهوم استراتژی به کار رفته است (ابوترابیان، ۱۳۸۲) و آن را راه و روش رسیدن به اهداف تعریف می‌کنند (پاکزاد، ۱۳۸۵). حال اگر هدف، رسیدن به مقصدی باشد که برای آن برنامه‌ریزی شده است، راهبرد (استراتژی) نشان دهنده مسیرهای اصلی ممکن است که راهبرد گزینی را به آن نزدیک می‌گرداند (همان، ۱۳۸۵). برنامه‌ریزی راهبردی شیوه‌ای سیستماتیک است که بر ایجاد و برقراری پیوستگی بین اقدامات اولویت‌دار با در نظر داشتن توانایی‌ها و منابع و همچنین عوامل خارجی تکیه دارد (بهزادفر و زمانیان، ۱۳۸۷). بدین ترتیب نیازمند جمع‌آوری اطلاعات بسیار وسیع و جست و جوی گزینه‌های مختلف خواهد بود (برایسون، ۱۳۸۱). هدف نهایی در برنامه‌ریزی راهبردی، سازگاری مناسب نتایج راهبرد با عوامل داخلی و خارجی توسعه می‌باشد. این نوع از برنامه‌ریزی بیشتر فعالیت‌گرا است و در مقایسه با برنامه‌ریزی سنتی با تصمیم‌گیری و اجرا سر و کار دارد (دانشپور، ۱۳۸۲). براساس گزارش سازمان ملل، سکونتگاه‌های غیررسمی (حاشیه‌نشینی) چالش اصلی هزاره سوم معرفی شده است. امروزه یکی از چالش‌های عمده ناپایدارکننده در کشورمان، گونه‌ای شهرنشینی با مشکلات حاد موسوم به اسکان غیررسمی مناطق یا حاشیه‌نشینی می‌باشد. گسترش ناهمگون شهری در ایران طی دهه‌های اخیر و از طرفی دیگر، ناکارآمدی نظام مدیریت، برنامه‌ریزی و ضعف برنامه‌های توسعه ملی و آمایش سرزمین باعث شده است که شهرنشینی در کشور ما با معضلات فراوانی همراه باشد. روند افزایش

شهرنشینی در کشور، سبب شده است که ساختار فرسوده مدیریت شهری و همچنین ظرفیت‌ها و منابع موجود بالقوه که در سایه یک مدیریت توانمند می‌تواند مسیر بالفعل شدن را طی کند، توانایی پاسخگویی به این حجم عظیم مشکلات را نداشته باشد. این موضوع خاص کشور ما نیست؛ به نحوی که در حال حاضر ۴۲ درصد جمعیت کشورهای جهان سوم و یا در حال توسعه در همین سکونتگاه‌ها زندگی می‌کنند. نظام دسترسی یکی از مهمترین عوامل بر ایجاد ساختار و استخوان بندی اصلی سکونتگاه‌هاست که در طول تاریخ در بازه‌های زمانی خاص و به علت تغییر نیازهای ساکنان و مطابق با شرایط زمانی و مکانی خود بوده است. در صورت سازماندهی نظام دسترسی به عنوان شاه‌راه‌های حیاتی، بافت سکونتگاه‌ها غیررسمی مناطق قادر به ادامه حیات خود بوده و امکان رشد و توسعه هر چه بیشتر شهر را فراهم می‌کند. با توجه به وضعیت کنونی جامعه شهری ایران، حاشیه‌نشینی یا اسکان غیررسمی مناطق از مهمترین چالش‌های شهری محسوب می‌شود. از آنجا که ارائه راهکارهای مناسب برای ایجاد تحول همه‌جانبه و پایدار، بدون شناخت کامل این نواحی امکان‌پذیر نمی‌باشد، انجام پژوهش حاضر و پژوهش‌های مشابه برای شناخت این نواحی آسیب‌پذیر و فراموش شده در برنامه‌ریزی‌های توسعه ضروری می‌باشد.

روش

زمانی که چندین شاخص برای ارزیابی در نظر گرفته می‌شود، کار ارزیابی پیچیده‌تر می‌گردد. پیچیدگی کار زمانی بالا می‌گیرد که معیارهای چندین گانه با هم در فضا و از جنس‌های مختلف باشند. در این حالت تصمیم‌گیری ساده نبوده و معیارهای تصمیم‌گیری، انتخاب بین گزینه‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد و لذا به یک ابزار تحلیل عملی قوی نیاز خواهد بود. در این مطالعه از نرم افزارهای SPSS و SWOT به منظور تجزیه و تحلیل استفاده شده است. حجم نمونه در این پروژه تعداد ۳۱۳ نفر برآورد شده است که از مسئولین و متخصصان شهری و اهالی و ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی شهر گلستان در استان تهران می‌باشند.

نمونه‌گیری به صورت مدل یابی و به صورت تصادفی ساده

غیررسمی می‌پردازد. در این کتاب، ابتدا به تعریف فقر شهری و ارتباط آن با سکونتگاه‌های غیررسمی پرداخته شده است. در فصل دوم، تمامی مکاتب و نگرش‌های مرتبط با سکونتگاه‌های غیررسمی؛ در فصل سوم، روند شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی؛ در فصل چهارم، روند مداخله و برخورد با سکونتگاه‌های غیررسمی؛ در فصل پنجم، نگاهی گذرا به سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران به مسائل و مشکلات و قوانین و مقررات مرتبط با این سکونتگاه‌ها و همچنین کاستی‌های آنها پرداخته می‌شود و در فصل ششم به بیان راهکارهایی به منظور برخورد و ارتقاء بخشی این سکونتگاه‌ها پرداخته می‌شود (ایراندوست، ۱۳۸۹). رستگار و گلشاهی و احمدی در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر در توانمندسازی کودکان کار و خیابان: نقش سرمایه اجتماعی و کارآفرینی اجتماعی با استفاده از مدل‌های کمی مبتنی بر شبکه هنجارها، معیارهای پیوند همسایگی و اعتماد و مشارکت مدنی، به سنجش میزان سرمایه اجتماعی (تعاون، همکاری و اعتماد متقابل) پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که محدوده مورد مطالعه از پتانسیل بالایی در زمینه همکاری و تعاون برخوردار است و بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی محله رابطه معناداری وجود دارد (رستگار و همکاران، ۱۳۹۱). فتح زاده و زاهد در پژوهشی به برنامه‌ریزی راهبردی، به منظور توانمندسازی محلات حاشیه نشین (محالت حاشیه نشین سیلاب، احمدآباد و یانوق دره سی تبریز) پرداختند. در این پژوهش سعی شد در چارچوب برنامه‌ریزی استراتژیک، عوامل قوت، ضعف، فرصت و تهدیدات محالت شناسایی و با تحلیل آن در قالب تکنیک SWOT، مناسب‌ترین استراتژی برای توانمندسازی محلات با بهره‌گیری از مدل QSPM، توأم با برنامه‌های اقدامی توانمندسازی معرفی گردد. روش مطالعه، توصیفی و تحلیلی بوده و اطلاعات موردنیاز با استفاده از پرسشنامه از ۲۵ نفر از کارشناسان سازمان‌ها و اساتید دانشگاه، جمع‌آوری و نرمال بودن داده‌ها از طریق آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف انجام گرفت. تشکیل ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی تاثیرگذار بر توانمندسازی محلات و تحلیل آن‌ها در تکنیک SWOT، نشان داد که شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی مهمترین عامل در توانمندسازی محلات می‌باشد (فتح زاده و زاهد، ۱۳۹۴). مصطفی پور در پژوهشی به بررسی نقش سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشینه

انجام می‌شود و بعد از توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها در جامعه آماری، محاسبات انجام شده و از نرم افزار SPSS برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌گردد.

پرسشنامه بین ۳۱۳ نفر از ساکنان هدف نمونه تحقیق توزیع گردید تا اطمینان حاصل شود که افراد پاسخگو تمام سوالات را درک کرده تا در صورت نیاز اصلاحاتی در سوالات انجام شود. پس از تکمیل پرسشنامه، داده‌ها وارد نرم افزار SPSS گردید و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در این تحقیق به منظور تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. این روش برای محاسبه همبستگی درونی ابزار اندازه‌گیری که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کند به کار می‌رود. برای محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ابتدا باید واریانس نمره‌های هر زیر مجموعه سوال‌های پرسشنامه و واریانس کل را محاسبه کرد. سپس با استفاده از فرمول زیر مقدار ضریب آلفا را محاسبه می‌کنیم.

$$r_{\alpha} = \frac{J}{J-1} \left(1 - \frac{\sum_{j=1}^n S_j^2}{S^2} \right)$$

که در آن:

J = تعداد سوالات پرسشنامه، مصاحبه یا آزمون

S_j^2 = واریانس سوال jام

S^2 = واریانس کل

پیشینه

رضانی پور و همکاران در پژوهشی به بررسی تأثیر ویلاسازی (اسکان غیررسمی) بر ابعاد کالبدی-فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی (مطالعه موردی: شهر چمستان) پرداختند. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و جامعه آماری متشکل از اهالی شهر چمستان، کسبه و گردشگران حاضر در شهر می‌باشند. برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز از روش کتابخانه‌ای، ابزار پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده بهره‌گرفته شده است. نوع نمونه‌گیری به صورت تصادفی بوده که برای تجزیه و تحلیل و پردازش داده‌ها از آزمون کای اسکوتر آزمون و نرم افزار SPSS بهره‌گرفته شده است (رضانی پور و همکاران، ۱۳۹۲). ایراندوست در کتاب سکونتگاه‌های غیررسمی و اسطوره حاشیه‌نشینی با یک دید جامع به بررسی تمامی ابعاد سکونتگاه‌های

که می‌توانند تنوع استراتژی‌های انطباقی مورد استفاده توسط انواع مختلف اسکان، براساس رویکرد متابولیسم اجتماعی را ثبت کنند. نتایج نشان می‌دهد که با افزایش اندازه و پیچیدگی، آن‌ها از نظر اقتصادی و سیاسی به حاشیه رانده شده و نمی‌توانند وارد شهر گردند. ما استدلال می‌کنیم که در مورد سیاست انرژی، تجزیه و تحلیل باید فراتر از تعریف مشکلاتی از قبیل دسترسی به انرژی در سطح فرد باشد و بر روی ارزیابی چند مقیاسی از جمله سطوح خانوار و جامعه مطالعه کند تا توان خروجی انرژی را از طریق دستگاه‌های برون‌گرا^۲ و زیرساخت افزایش دهد (کواسیس و گامپیرتو، ۲۰۱۷).

محیط شناسی

شهر گلستان در استان تهران، شهری است که در ۲۵ سال گذشته بدون هیچ گونه برنامه زیربنایی مدونی شکل گرفته است و اکنون ساکنان و رانندگان این شهر را با مشکلات فراوانی مواجه کرده است. شهر گلستان در استان تهران طی سه دهه گذشته آرام آرام در بستر زمان شکل گرفته و همین امر موجب شده این شهر شکلی ناموزون به خود بگیرد و اصلاح آن نیز به گفته کارشناسان حوزه شهری به زمانی طولانی نیاز دارد. با نگاهی به وضعیت ساخت و ساز در این شهر نشان می‌دهد ۵۰ درصد از خانه‌های این شهر، زیر ۵۰ متر مربع وسعت دارند و ۲۰۰ هکتار از آن جزء بافت‌های فرسوده هستند. این شهر با جمعیتی بیش از ۳۰۰ هزار نفر، دارای ۸ شهرک و محله سنتی است که برخی از شهرک‌ها همانند شهرک قلعه میر و شهرک سبزدشت ویژگی سکونتگاه‌های غیررسمی را دارا بوده و برخی دیگر همانند کوی گلستان و شهرک الهیه دارای ویژگی شهرسازی اصولی مرکزی با حاشیه عدم مدیریت شده می‌باشند. متأسفانه ساخت و سازهایی که در شهر گلستان در استان تهران صورت می‌گیرد دارای سه تخلف گسترده می‌باشد:

۱- افزایش طبقات فوقانی

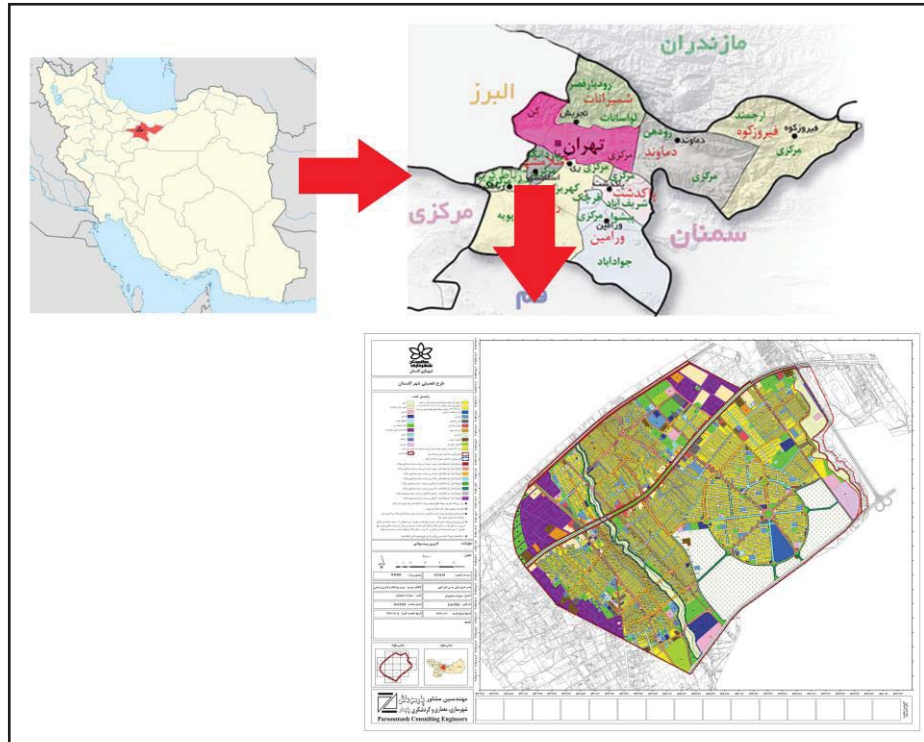
۲- عدم رعایت الزامات مهندسی

۳- حذف پارکینگ

در حال حاضر شش محله شهرگلستان با مساحتی در حدود ۲۰۶ هکتار در محدوده سکونتگاه‌های غیررسمی قرار دارند که در این زمینه اقداماتی در خصوص انتخاب محلات هدف و اقدامات و

نشینی بر میزان آسیب‌های اجتماعی پرداخت. این پژوهش با هدف بررسی نسبت حاشیه نشینی با آسیب‌های اجتماعی در شهر تهران پرداخته و تلاش دارد ضمن تحلیل چند بُعدی این مساله، به معرفی سیاست‌ها و راهبردهای اجرایی به منظور پیشگیری از انحرافات اجتماعی در مناطق حاشیه نشین با استفاده از مدل تحلیلی SWOT بپردازد (مصطفی پور، ۱۳۹۷). روی^۱ و همکاران در پژوهشی به ایجاد فضای سبز در سکونتگاه‌های غیر رسمی به عنوان یک برنامه‌ریزی شهری خلاق پرداختند. این تحقیق به بررسی تاثیر تغییر اقلیم بر مردم فقیر شهری از طریق یک جزء از اکوسیستم شهری-ساختارهای سبز شهری (UGS)- در دارالسلام تانزانیا می‌پردازد. اهمیت موضوع برای ساکنان غیر رسمی شهرها و دامنه خدمات برگرفته از آن شامل؛ تغییرات در طول زمان به این خدمات UGS و استخراج و شیوه‌های اقتباس در حال ظهور می‌باشد. این مطالعه سه نتیجه کلیدی دارد. اول اینکه، خدمات اکوسیستمی فرهنگی از اهمیت بیشتری برای ساکنان غیررسمی برخوردار است، هر چند دامنه‌ای از خدمات دیگر را مهار می‌کند. دوم اینکه، اسکان غیررسمی به خاطر عوامل آب و هوایی تغییرات قابل توجهی را متحمل شده‌اند. این امر منتهی به کاهش تدریجی کمیت و کیفیت خدمات برگرفته شده است. سوم، در پاسخ به این تغییرات، ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی بیشتر به شخص خود و گاهی اوقات بر روی منابع و قابلیت‌های خود، متکی هستند. برخی فعالیت‌های نوآورانه وجود دارند که بر روی نهادهای خارجی تاثیر می‌گذارند، اما دسترسی به حمایت‌های خارجی برای جوامع غیررسمی به طور مداوم پایین باقی مانده است (روی و همکاران، ۲۰۱۸). کواسیس و گامپیرتو در پژوهشی به تحلیل یکپارچه‌ای از الگوهای متابولیک سکونتگاه‌های غیررسمی شهری پرداختند. این تحقیق به چالش این مساله می‌پردازد که چگونه می‌توان پدیده پیچیده تغییر سریع سکونتگاه‌های غیر رسمی شهری را بدون کاهش بیش از حد، ساده نمود و تمرکز محدود بر کسری بودجه سکونتگاه‌های غیررسمی را توصیف کرد. سیاست‌های انرژی به عنوان یک نمونه برای نشان دادن نواقص مرسوم در تولید اطلاعات مرتبط با سیاست در نظر گرفته می‌شوند. محققان، یک نمایش باز معنایی از سکونتگاه‌های غیر رسمی را به کار گرفتند

جلسات محلی انجام گردیده است. از جمله مهمترین سکونتگاه‌های غیررسمی این شهرستان که توسط مسئولین استانی و شهرستانی شناسایی گردیده‌اند، عبارتند از: محلات سلطان آباد، باغ مهندس، حاشیه رودخانه شاد چای، میمنت آباد و سیزدشت



نقشه ۱. نقشه شهر گلستان در استان تهران، منبع شهرداری گلستان، ۱۳۹۹

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها فرایندی است که طی آن داده‌ها به طرق مختلف جمع آوری، دسته بندی و در نهایت پردازش می‌شوند تا زمینه برقراری ارتباط بین داده‌ها و انجام تحلیل‌های علمی به منظور آزمون فرضیه فراهم گردد. در این بخش، پرسشنامه‌ای طرح شده که پس از پر کردن پرسشنامه‌ها، تجزیه داده‌ها و تحلیل وضعیت یافته‌های توصیفی در نرم افزار SPSS انجام شده است.

جهت تعیین پایایی، پرسشنامه بین ۳۱۳ نفر از ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی توزیع و پس از پاسخ دادن، پرسشنامه‌ها جمع آوری گردید و مقدار آلفای کرونباخ با استفاده از نرم افزار SPSS محاسبه شد که با برطرف کردن اشکالات موجود، عدد ۰/۹۱۹ به دست آمد. چون ضریب آلفای کرونباخ بزرگتر از ۰/۷ است، پس می‌توان دریافت که پرسشنامه از پایایی مطلوبی برخوردار است و ضریب همبستگی بالایی را نشان می‌دهد.

آزمون T برای ارزیابی شاخص‌ها

مطابق جدول ۱ با توجه به داده‌های جدول زیر می‌توان بیان کرد که این شاخص‌ها می‌توانند از مولفه‌های مهم در بهبود ارتقا کیفیت این سکونتگاه‌ها باشند.

تحلیل وضعیت شاخص‌ها

مطابق میانگین‌های بدست آمده برای شاخص‌های دسترسی و فضاهای باز، شاخص اجتماعی، شاخص کالبدی، شاخص زیست محیطی بر پایه آلودگی سطحی (کرونا) به ترتیب ۱/۸۵، ۱/۸۹، ۱/۶۵، ۱/۸۱ می‌باشند که بر اساس نتایج حاصل شده، شاخص زیست محیطی بر پایه آلودگی سطحی (کرونا) در بدترین وضعیت نسبت به شاخص‌های دیگر قرار دارد و هر چهار شاخص، در این محدوده در وضعیت نامطلوبی می‌باشند و با ارائه راهکارهایی در فصل بعد این شاخص‌ها را بهبود خواهیم بخشید.

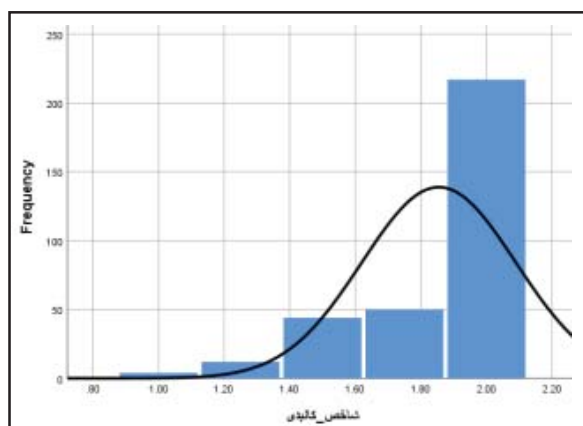


جدول ۱. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای ارزیابی شاخص‌های ساماندهی نظام دسترسی و فضاهای باز

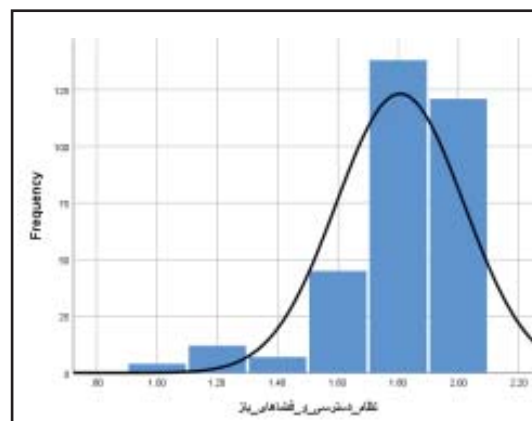
95% Confidence Interval of the Difference		Sig. (2-tailed) سطح معناداری	df درجه آزادی	T	
Upper	Lower				
.۸۲۹۲	.۷۸۳۱	.۰۰۰	۳۱۲	- ۷,۹۳۴۸	نظام دسترسی و فضاهای باز
.۶۶۲۲	.۶۳۰۴	.۰۰۰	۳۱۲	- ۱۶,۳۹۸	شاخص اجتماعی
.۸۸۰۳	.۸۲۹۲	.۰۰۰	۳۱۲	- ۱۷,۶۲۴	شاخص کالبدی
.۹۰۵۷	.۸۶۶۰	.۰۰۰	۳۱۲	- ۱۵,۶۷۰	شاخص زیست محیطی بر پایه آلودگی سطحی (کرونا)

جدول ۲: آزمون T - test

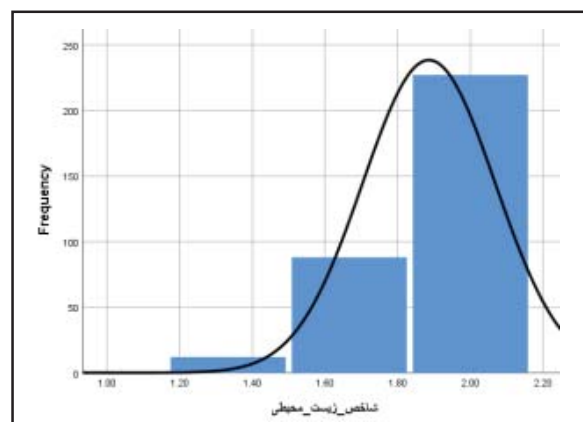
Test Value = 2						
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
myangin	۲۱,۰۸۳-	۳۱۲	.۰۰۰	۲۸۲۶۴-	۳۰۹۰-	۲۵۶۳-



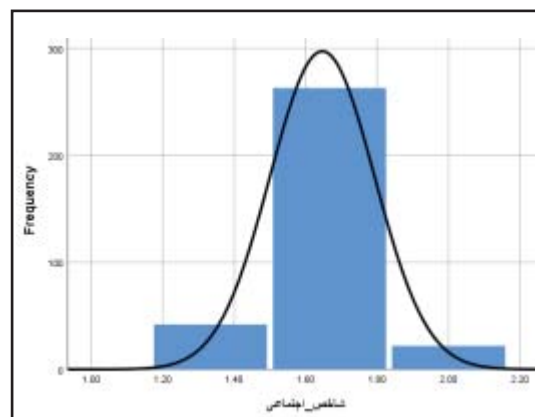
نمودار ۳. وضعیت شاخص کالبدی



نمودار ۱. وضعیت شاخص نظام دسترسی و فضاهای باز



نمودار ۴. وضعیت شاخص زیست محیطی بر پایه آلودگی سطحی (کرونا)



نمودار ۲. وضعیت شاخص اجتماعی



برای تحلیل یافته‌های محدوده مورد مطالعه، در ادامه جهت تکمیل تحلیل‌ها از تکنیک SWOT استفاده شده است. SWOT به عنوان ابزاری در تفکر راهبردی معرفی می‌گردد که اثرگذاری عوامل کنترل ناشدنی محیط سیستم بر آن را به رسمیت می‌شناسد. شناسایی و تجزیه و تحلیل هر یک از عوامل داخلی و خارجی شهر گلستان در استان تهران منتهی به تهیه فهرست نقاط قوت و ضعف (ناشی از تجزیه و تحلیل عوامل داخلی تاثیرگذار بر بافت‌ها) و فرصت‌ها و تهدیدها (ناشی از تجزیه و تحلیل عوامل خارجی تاثیرگذار بر بافت‌ها) شده است. در این روش پس از شناسایی نقاط ضعف و قوت و فرصت و تهدیدها و ارزش دهی و نمره‌دهی به آنها، راهبردها و استراتژی‌های مناسب ارائه شده است.

جدول ۳. ماتریس ارزیابی عوامل داخلی

نمره نهایی	رتبه	ضریب	عوامل داخلی	
۰/۲۴	۳	۰/۰۸	S۱: محدوده خدماتی شهر گلستان در استان تهران، محدوده بسیار وسیعی از فضاهای شهری، اراضی کشاورزی، قلمستان‌ها و حوزه‌های روستایی	قوت‌ها
۰/۱۴	۲	۰/۰۷	S۲: وجود یکپارچگی قومی و قبیله‌ای در محله	
۰/۰۸	۲	۰/۰۴	S۳: وجود تناسب نسبی بین سرانه‌های فعالیت‌های خدماتی با سرانه‌های استاندارد	
۰/۱۴	۲	۰/۰۷	S۴: کم بودن اختلاف درآمدی بین خانوارهای ساکن	
۰/۳۲	۴	۰/۰۸	S۵: استفاده از مصالح نیمه بادوام، آجر و طاق در ساخت اکثر واحدهای مسکونی	
۰/۴	۴	۰/۱۰	W۱: وجود اقشار کم درآمد و فقیر	ضعف‌ها
۰/۳۶	۴	۰/۰۹	W۲: وجود کیفیت زندگی شهری پایین	
۰/۱۵	۳	۰/۰۵	W۳: تراکم بالای جمعیتی	
۰/۲۴	۴	۰/۰۶	W۴: ضعف شدید زیربنای شهری	
۰/۲۴	۳	۰/۰۸	W۵: عدم انسجام فضایی ناهمگونی نماها و قطع کردن بافت شهر	
۰/۳۶	۴	۰/۰۹	W۶: پارک‌های حاشیه‌ای و معضل ترافیک	
۰/۳۲	۴	۰/۰۸	W۷: ناپایداری و عدم استحکام بنا در واحدهای ساختمانی	
۰/۱۸	۳	۰/۰۶	W۸: وجود کاربری‌های ناسازگار در محله	
۰/۱۰	۲	۰/۰۵	W۹: عدم شکل‌گیری و فعالیت‌های مدنی و غیردولتی	
۳/۲۷		۱	مجموع	

جدول ۴. ماتریس ارزیابی عوامل خارجی

نمره نهایی	رتبه	ضریب	عوامل داخلی	
۰/۲۷	۳	۰/۰۹	O۱: امکان تحرک ارتقاء اجتماعی خانوارهای کم درآمد	تهدیدها
۰/۲۴	۳	۰/۰۸	O۲: امکان افزایش میزان روشنایی در شهر	
۰/۴۴	۴	۰/۱۱	O۳: امکان ایجاد پارکینگ‌های عمومی و طبقاتی	
۰/۴۰	۴	۰/۱۰	O۴: ایجاد پیاده راه‌ها و ارتقاء و افزایش حضورپذیری مردم	
۰/۲۱	۳	۰/۰۷	O۵: غالب بودن فضای سبز جهت تلطیف هوا	
۰/۲۱	۳	۰/۰۷	O۶: بهبود شرایط زیستی به واسطه برنامه‌ریزی محله محور و در نتیجه افزایش حس تعلق به مکان	
۰/۰۸	۲	۰/۰۴	O۷: اتخاذ رویکرد مشارکتی در طرح توانمندسازی و بهسازی محله	فرصت‌ها
۰/۰۸	۲	۰/۰۴	T۱: عدم شناخت علمی از ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی	
۰/۲۸	۴	۰/۰۷	T۲: ضعف مدیریت شهری و رواج رویکرد بخشی‌نگری	
۰/۲۴	۴	۰/۰۶	T۳: روند رو به رشد ساخت و سازهای بی‌رویه و غیرقانونی	
۰/۱۲	۳	۰/۰۴	T۴: ایجاد خطر از طریق عدم توجه به سیستم بهداشتی و آموزشی	
۰/۲۴	۴	۰/۰۶	T۵: روند رو به رشد اغتشاشات در سازمان ادراکی و بصری در محله	
۰/۱۵	۳	۰/۰۵	T۶: افزایش تراکم جمعیتی و آسیب‌های اجتماعی ناشی از ورود ساکنین فرودست	
۰/۱۴	۲	۰/۰۷	T۷: کمبود فرصت‌های شغلی و گسترش مشاغل غیررسمی	
۰/۱۰	۲	۰/۰۵	T۸: عدم الزامات قانونی جهت ارائه خدمات شهری	
۳/۲		۱	مجموع	

جدول ۵. ارزیابی موقعیت

ضریب نهایی (t)	ضریب نهایی (o)	ضریب نهایی (w)	ضریب نهایی (s)
۱/۳۵	۱/۸۵	۲/۳۵	۰/۹۲

تسهیلات زیربنایی، اجتماعی و فیزیکی سکونتگاه‌های نامتعارف ایجاد شده و آنها از روند متعارف شهرنشینی و استانداردهای زندگی باز می‌مانند (کاستل، ۱۹۹۷: ۴۲). واقعیت این است که انتقال ناگهانی بسیاری از ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی سنتی و رسمی روستایی به معیشت نامشخص و نوینی که تمهیدات لازم و متناسب شهرنشینی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی فراهم نمی‌باشد، آن‌ها را به سکونتگاه‌های ناپایداری کشانده است که با هدف نهایی سکونی در شهر و به امید طی دوره گذار، انتخاب شده‌اند. علاوه بر این، مسأله بلاتکلیفی بسیاری از این سکونتگاه‌ها از نظر قانون که ساکنان را دائم در خطر تخریب، تخلیه و تعرض رسمی نگاه می‌دارد، موجب احساس ناامیدی و عدم امنیت خانوارها و مانع تلاش، مشارکت اجتماعی و همبستگی آن‌ها با جامعه شهری شده است؛ امری که پیامدهای نامطلوب فرهنگی (حتی برای نسل‌های آتی آن‌ها و محیط‌های مجاور) در بردارد. اگرچه فرآیند و چگونگی شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، متأثر از عوامل درون‌ساختاری مانند شغل و نژاد و برون‌ساختاری مانند عوامل جغرافیایی است و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی و کالبدی خاصی بر هر یک از آنها مترتب است، لیکن یکسری ویژگی‌های کلی و عمومی وجود دارد که قابلیت تعمیم به همه این سکونتگاه‌ها را دارا می‌باشد.

نحوه استفاده از فضاهای با کیفیت پایین در سکونتگاه‌های غیررسمی مناطق به ویژه در کشورهای جهان سوم، به دلیل محدودیت‌ها و همچنین توانمندی‌های اجتماعی، به نیاز ضرورت اجتماعی برای بقا تبدیل شده است. لذا فعالیت‌های ضروری، انتخابی و اجتماعی نیز در این سکونتگاه‌ها، به صورت متفاوتی نسبت به فضاهای شهری رستمی صورت می‌گیرد (گل، ۱۳۸۹: ۲۱۵). فضاهای شهری به عنوان بستر زندگی و تعاملات اجتماعی و محل انجام فعالیت‌های ضروری، اختیاری و اجتماعی، باید از کیفیت‌های کالبدی-عملکردی، فرهنگی-معنایی و اقتصادی-اجتماعی مناسب برخوردار باشند. در سکونتگاه‌های غیررسمی نیز، فضاهای شهری علی‌رغم فقدان بسیاری از کیفیت‌های لازم، بستر زندگی اقشار کم

تحلیل راهبردی ابزاری است که در مدیریت برای یک هدف و کمک به یک سازمان جهت انجام بهتر کارها و اطمینان از اینکه اعضای سازمان در حال فعالیت در راستای تعیین شده هستند، بکار می‌رود (بریسون^۱، ۲۰۱۱). فضاهای باز فضاهایی هستند که افراد هر روز در آن قرار گرفته یا از آن عبور می‌کنند. این فضاها نقش بسیار مهمی در زندگی شهروندان دارند (سالاریفر و معصومی، ۱۳۹۶). سکونتگاه‌های غیررسمی، محلات نابسامانی هستند که خارج از برنامه رسمی توسعه شهری و به صورت خودرو شکل گرفته و گسترش یافته‌اند (مردانژاد و همکاران، ۱۳۹۳). اسکان غیررسمی از پیامدهای نامطلوب شهرنشینی در جهان معاصر می‌باشد که به ویژه، به دنبال صنعتی شدن شتابان و نابرابری‌های منطقه‌ای شکل گرفته و شهرها و خصوصاً کلانشهرها را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخته است (زیاری و نوذری، ۱۳۸۸: ۲۱). اجرای برنامه‌های نو استعماری در کشورهای در حال توسعه تحت عنوان برنامه‌های توسعه در راستای شکست ساختار اجتماعی و اقتصادی سنتی این گونه کشورها عمل کرده و به همراه خود پدیده‌ای به نام سکونتگاه‌های غیررسمی را به ارمغان آورده است (ربانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۸۹). حاشیه نشینی به بخش‌هایی از شهر گفته می‌شود که از منظر ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سایر ابعاد زندگی شهری در حاشیه قرار گرفته‌اند. در ادبیات بررسی و رویارویی با این تیپ از جمعیت، از واژگان متعددی نظیر زاغه نشینی، آلونک نشینی، حاشیه نشینی، حلبی آباد، ژور آباد، گود نشینی، اسکان و سکونتگاه غیر رسمی و مصادیق کالبدی آن استفاده شده است (ابوطالبی، ۱۳۸۸). مانوئل کاستل^۲ در کتاب مساله شهری، درباره گروه‌های حاشیه‌ای در شهرهای در حال توسعه می‌گوید: شهرنشینی با آهنگ شتابنده‌ای گسترش می‌یابد و به رغم ناکافی بودن امکانات اشتغال برای مهاجران، امکانات و تسهیلات زیربنایی و اجتماعی شهری نیز متناسب با افزایش جمعیت شهرها تامین نمی‌شود و در اثر کمبود

1. Brisson
2. Castella

تقویت مناسبات و روابط بیرونی، تعاملات، تغییرات و رویایی‌های اجتماعی وقوع زندگی اجتماعی شکل می‌دهد. این مولفه‌ها در واقع به بُعد اجتماعی فضای شهری پرداخته و به مردم و فعالیت آنها جهت خلق، بهره برداری و مدیریت این فضاها اشاره دارد. فضاهایی که در بردارنده مفهوم دسترسی آزاد برای عموم و فراهم نمودن زمینه‌ای است کالبدی جهت وقوع فعالیت‌های جمعی و تعاملات اجتماعی است (مدنی پور، ۱۳۸۴). بر این اساس، مهمترین بُعد از ابعاد اجتماعی یا به عبارتی دیگر مهمترین کیفیت زندگی اجتماعی فضای شهری، وقوع تعاملات اجتماعی در آنهاست. تعاملات اجتماعی به مفهوم کنش پویا میان دو یا چند فرد و یا بروز فعالیت‌های جمعی در فضای شهری است. این دسته از فعالیت‌ها به زعم یان گل، وابسته به حضور دیگران در فضا است و شامل تعامل فعال همچون صحبت کردن، سالم و احوالپرسی کردن و تعاملات منفعل مانند تماشای مردم و گوش دادن به صحبت‌های مردم می‌گردد (گل، ۱۳۸۹). در اینجا باید یادآور شد شرط اصلی بروز فعالیت‌های جمعی چه به صورت فعال و چه به صورت منفعل، وجود شرایط محیطی مناسب و حضور دیگر افرادی است که جهت انجام فعالیت‌های اختیاری و ضروری به فضا مراجعه نموده‌اند (تانگ^۳، ۱۹۹۸). رضایتمندی از فضا توسط کاربران آن یکی از اصول اصلی در بهبود فضا خواهد بود (درستکار و ماجدی، ۱۳۹۵). از طرفی نیز، رضایتمندی سکونتی می‌تواند بسیار اهمیت داشته باشد (درستکار و خیری، ۱۳۹۸). تعاملات اجتماعی در رضایتمندی سکونتی نیز تأثیر دارد (شاهرخ و درستکار، ۱۳۹۵). به نوعی نیز می‌توان عنوان کرد که دستیابی به پایداری می‌تواند خروجی ارتباطات در فضا باشد (درستکار، ۱۳۹۶). هر فضای شهری نیاز به یک سری ارتباطات دارد که این ارتباطات می‌تواند پیچیده یا ساده باشد. فضای شهری با ارتباطات پیچیده، یک لایه سطحی از نوع تعاملات در شهر را دارد. این فضا به دلیل چندگانه بودن و ارتباطات گسترده با افراد گوناگون، منبع آلودگی مطرح می‌شود. آلودگی مد نظر از بُعد آلودگی سطحی بوده که افراد با ارتباط خود در فضا بجای می‌گذارند. اما، فضای شهری با ارتباطات ساده به یک یا دو نوع ارتباط ختم می‌شود که از آلودگی کمتری برخوردار است. فضاهای شهری و مخصوصاً سکونتگاه‌های

درآمد و محل رخداد انواع فعالیت‌های شهری است (حیبی و گرامی، ۱۳۹۷). در اواخر دهه ۱۹۷۰ یک شیوه جدید از جانب بانک جهانی و سازمان ملل متحد و مؤسسه بین‌المللی ایالات متحده^۱ به تدریج اتخاذ شد که بر اساس آن، دولت‌ها زمینه و تسهیلات بهبود شرایط فقرا را شکل داده و این اجتماعات فقیر هستند که خود، راه ارتقای خود را می‌یابند. در واقع توانمندسازی، ایجاد چهارچوب‌های قانونی، نهادی، اقتصادی، مالی و اجتماعی برای افزایش کارایی اقتصادی و کارآمدی اجتماعی در توسعه بخش مسکن است (پاگ^۲، ۲۰۰۳: ۳۲۸). بنابراین می‌توان گفت سرمایه اجتماعی به دلیل وجود طیف گسترده‌ای از توانمندی‌های نهفته در آن، به عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر توانمندسازی جوامع نگرست که این توانمند کردن به نوبه خود در ابعاد عینی بیشتر ناظر بر بالا بردن سطح کیفیت زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت است. فضا حوزه‌ای گسترش یابنده و در عین حال فراگیرنده بوده و جایگاه یا محیطی را در ابعاد جسمانی، فیزیکی و روانشناختی تعریف می‌نماید. فضای معماری فضایی است که توسط سطوح به شکل‌های مختلف، محدود شده و به عملکردهای تعیین شده پاسخ می‌گوید که موضوع و جوهر اصلی معماری است. همچنین یکی از مقوله‌های بسیار مهم مورد توجه در حوزه نظری و عملی معماری، موضوعی است که تحت عنوان مفهوم‌گرایی در معماری مطرح می‌باشد. عباراتی مانند درون مایه (کانسپت)، معماری مفهوم‌گرا (کانسپچوال) در جایگاه‌های مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرند (شوشتری و اسفندیاری، ۱۳۹۶: ۲). کیفیت‌هایی که متعلق به عرصه ذهنی هستند، کیفیت‌هایی به شمار می‌روند که درون ضمیر فرد ساکن هستند. در مقابل با کیفیت‌های مرتبط با عرصه عین کیفیات متعلق به شیء می‌باشند که به شکل موجودیتی خارجی در معرض ذهن قرار گرفته و با حقایق جهان خارج سرو کار دارند. از آنجا که فضای عمومی صحنه‌ای است که در آن نمایش زندگی اجتماعی، در معرض دید عموم، قرار می‌گیرد. مولفه‌های سازنده کیفیت زندگی اجتماعی در فضای شهری در واقع خصوصیتی هستند که فضای شهری را بسان بستری جهت ایجاد و

1. USAFD
2. Pugh

3. Tang

اجتماعی، اقدام به برقراری ارتباط با دیگر افراد می‌کنند. اینجاست که معضل و مشکل سکونتگاه‌های غیررسمی مناطق در شرایط خاص مثل بیماری‌های فراگیر نمایان می‌شود. کرونا باعث شد که کمبود در این نوع سکونتگاه‌ها نسبت به دیگر مناطق بیشتر نمایان و ظهور کند. در این بین که نه راهبردها و نه برنامه‌های تدوین شده و به اجرا درآمده کارایی ندارد، شیوع بیماری کرونا به عنوان یک اهرم ضد عملکردی در این فضاها ظهور می‌یابد. ظهور این بیماری و در پی آن محدودیت‌های اجرایی و برنامه‌ریزی می‌تواند فشار زیادی را بر ساکنین این مناطق وارد کند. ارتباطاتی که در مناطق نیز بیشتر به چشم می‌خورد گواه آن است که رعایت محدودیت‌های کرونایی در سکونتگاه‌های غیررسمی ناممکن خواهد بود. پژوهش‌های آتی می‌تواند این نوع تأثیرات را بررسی کند.

پیشنهادات:

- آسفالت کردن خیابان‌ها و رنگ‌آمیزی جداول و پل‌های هوایی
- حل مشکل کمی و کیفی فضاهای باز محله برای ایجاد محدودیت‌های فاصله ای
- ساماندهی نقاط جرم خیز و افزایش امنیت شهری
- ایجاد و ارتقا نورپردازی فضاهای شهری
- ارتقای تعاملات اجتماعی از طریق ارتقای فضاهای تجمع همگانی با حفظ پروتکل‌های بهداشتی
- افزایش فرصت‌های شغلی و افزایش سرانه درآمد خانوار در جهت پیشگیری از تأثیرات منفی شیوع کرونا
- ساماندهی شبکه آبرسانی محلات شهر گلستان در استان تهران جهت جلوگیری از شیوع بیماری کرونا
- ارتقای سیستم شبکه حمل و نقل عمومی در سطح شهر بر اساس نیاز واقعی جامعه و جلوگیری از تجمع مسافران

غیررسمی، یکی از فضاهای شهری با ارتباطات پیچیده است. چرا که نوع ارتباطات در این گونه فضاها به دلیل شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیار گسترده و بسیار آلوده‌تر نسبت به دیگر فضاهای شهری می‌باشد. با شیوع بیماری کرونا در سال ۲۰۲۰ (کووید ۱۹)، شرایط برای این نوع سکونتگاه‌ها بحرانی‌تر شد. سکونتگاه‌های غیررسمی مناطق با توجه به حجم بالای تردد و عدم نظم و بهداشت در سطح معابر و سکونتگاه‌ها، به عنوان یک منبع آلودگی فرا سطحی و عملکردی معرفی می‌شود. در این سکونتگاه‌ها مشاهده می‌شود که افراد بدون توجه به پروتکل‌های بهداشتی و رعایت فاصله اجتماعی، اقدام به برقراری ارتباط با دیگر افراد می‌کنند. اینجاست که معضل و مشکل سکونتگاه‌های غیررسمی مناطق در شرایط خاص مثل بیماری‌های فراگیر نمایان می‌شود. کرونا باعث شد که کمبود در این نوع سکونتگاه‌ها نسبت به دیگر مناطق بیشتر نمایان و ظهور کند.

نتیجه گیری

هر فضای شهری نیاز به یک سری ارتباطات دارد که این ارتباطات می‌تواند پیچیده یا ساده باشد. فضای شهری با ارتباطات پیچیده، یک لایه سطحی از نوع تعاملات در شهر را دارد. این فضا به دلیل چندگانه بودن و ارتباطات گسترده با افراد گوناگون، منبع آلودگی مطرح می‌شود. آلودگی مد نظر از بُعد آلودگی سطحی بوده که افراد با ارتباط خود در فضا بجای می‌گذارند. اما، فضای شهری با ارتباطات ساده به یک یا دو نوع ارتباط ختم می‌شود که از آلودگی کمتری برخوردار است. فضاهای شهری و مخصوصاً سکونتگاه‌های غیررسمی، یکی از فضاهای شهری با ارتباطات پیچیده است. چرا که نوع ارتباطات در این گونه فضاها به دلیل شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیار گسترده و بسیار آلوده‌تر نسبت به دیگر فضاهای شهری می‌باشد. با شیوع بیماری کرونا در سال ۲۰۲۰ (کووید ۱۹)، شرایط برای این نوع سکونتگاه‌ها بحرانی‌تر شد. سکونتگاه‌های غیررسمی مناطق با توجه به حجم بالای تردد و عدم نظم و بهداشت در سطح معابر و سکونتگاه‌ها، به عنوان یک منبع آلودگی فرا سطحی و عملکردی معرفی می‌شود. در این سکونتگاه‌ها مشاهده می‌شود که افراد بدون توجه به پروتکل‌های بهداشتی و رعایت فاصله



منابع

۱. ابوترابیان، محمدرضا. (۱۳۸۲)، پرورش نسل خلاق در ایران، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات مدرسه، تهران.
 ۲. ابوطالبی، صابر. (۱۳۸۸)، واژگان مرتبط با اسکان غیر رسمی ماهنامه شوراها، شماره ۴۱.
 ۳. ایراندوست، کیومرث. (۱۳۸۹)، سکونتگاه‌های غیررسمی و اسطوره حاشیه نشینی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
 ۴. آنا مرادنژاد، رحیم بردی؛ ملکشاهی، غلامرضا؛ محمدی، عبدالحمید، (۱۳۹۳)، ارزیابی نقش سکونتگاه‌های غیررسمی در گسیختگی فضایی ساختار شهری (مطالعه موردی: شهر گنبدکاووس)، فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا) سال چهارم، شماره چهارم، پایپی ۱۵، زمستان. https://sppl.ui.ac.ir/article_16015.html
 ۵. برایسون، جان. ام. (۱۳۸۱)، برنامه‌ریزی استراتژیک برای سازمان‌های دولتی و غیر انتفاعی، مترجم: عباس منوریان، مرکز آموزش مدیریت دولتی ریاست جمهوری.
 ۶. درستکار، احسان؛ ودایع خیری، رقیه. (۱۳۹۸)، سنجش کیفیت زندگی بر مبنای رضایتمندی سکونتی (مورد مطالعه: محله گلشن تهران)، مجله علمی - پژوهشی علوم تکنولوژی محیط زیست، دوره ۲۱ شماره ۱۰. http://jest.srbiau.ac.ir/article_11120.html
 ۷. درستکار، احسان؛ ماجدی، حمید. (۱۳۹۵)، تحلیل کیفیت باز آفرینی فضا عمومی شهری بر مبنای رضایتمندی کاربران فضا (نمونه موردی میدان منیریه تهران)، مجله علمی - پژوهشی انجمن معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱۱، ص ۲۹-۳۹. http://www.isau.ir/article_62015.html
 ۸. شاهرخ کلخوران، شیرین؛ درستکار، احسان. (۱۳۹۵)، سنجش تأثیر تعاملات اجتماعی بر رضایتمندی ساکنین در بافت مذهبی (نمونه موردی محله نقرآباد منطقه ۲۰ تهران)، چهارمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری. <https://civilica.com/doc/612302/>
 ۹. درستکار، احسان. (۱۳۹۷)، بررسی توانمندسازی پهنه حاشیه‌نشینی شهری در سطح کلان، فصلنامه علمی دانش انتظامی البرز، شماره ۲۰، ص ۳۱-۴۱. http://alborz.jrl.police.ir/article_20404.html
 ۱۰. درستکار، احسان. (۱۳۹۶)، منطقه خلاق و پایداری (نگاهی به شکل‌گیری عملی)، انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی، تهران.
 ۱۱. بهزادفر، مصطفی؛ زمانیان، روزبه. (۱۳۸۷)، برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری با تکیه بر بخش محصول نمونه موردی: شهرستان نیشابور، فصلنامه بین‌المللی مهندسی صنایع و مدیریت تولید، دوره ۱۹، شماره ۶. <https://civilica.com/doc/281002/>
 ۱۲. پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۵)، مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ اول.
 ۱۳. حبیبی، میترا؛ گرامی، نیلوفر. (۱۳۹۷)، چگونگی استفاده از فضاهای شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی؛ مورد پژوهی: جداره شرقی بزرگراه چمران تهران (حداقل پل ملاصدرا و پل مدیریت)، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۹ (۳۲)، ۱۶۳-۱۷۴. http://jupm.miau.ac.ir/article_2766.html
 ۱۴. دانشپور، زهره. (۱۳۸۲)، برنامه‌ریزی راهبردی و برنامه‌ریزی اختیار
- راهبردی؛ ویژگی‌ها، تفاوت‌ها و پیش شرط‌ها، مدیریت شهری و روستایی، تابستان، شماره ۱۴. <http://ensani.ir/file/download/article/20101109193823-2.pdf>
۱۵. ربانی خوراسگانی، رسول؛ عریضی، فرغ السادات؛ وارثی، حمیدرضا؛ حسینی، محمدرضا. (۱۳۸۵)، بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری مساله حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز، جغرافیا و توسعه، دوره ۴ شماره ۷. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=51599>
۱۶. رستگار، عباسعلی؛ گلشاهی، بهنام؛ درستکاراحمدی، ناهید. (۱۳۹۱)، بررسی عوامل موثر در توانمندسازی کودکان کار و خیابان: نقش سرمایه اجتماعی و کارآفرینی اجتماعی، توسعه اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۴۸. https://qjds.scu.ac.ir/article_13680.html
۱۷. رضوانی پور، مهرداد؛ بسطامی بندپی، نرجس؛ فخاری، منیره. (۱۳۹۲)، بررسی تاثیر ویلاسازی (اسکان غیررسمی) بر ابعاد کالبدی - فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی (مطالعه موردی: شهر چمستان)، اولین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار. <https://civilica.com/doc/263795/>
۱۸. زیاری، کرامت‌اله؛ نوزدی، آذرخ، (۱۳۸۸)، ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیررسمی شهر اهواز (کوی منبع آب). مجله علمی پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۸. https://jhgr.ut.ac.ir/article_19817_1ccf57c0ee15bf13391036091544f2e9.pdf
۱۹. سالاریفر، مهیا؛ معصومی، مسیح‌الله، (۱۳۹۶)، بررسی تاثیر عوامل کالبدی - محیطی طراحی فضاهای باز شهری بر ارتقای امنیت اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر سبزوار، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال هشتم، پاییز، شماره ۳۰. http://jupm.miau.ac.ir/article_2503.html
۲۰. شوشتری، احسان؛ اسفندیاری فرد، الهام، (۱۳۹۶)، بررسی نقش معماری مفهوم گرا در طراحی و خلق فضا. پنجمین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری. <https://civilica.com/doc/736281/>
۲۱. فتح زاده، حیدر؛ زاهدزاهدانی، سعید، (۱۳۹۴)، برنامه‌ریزی راهبردی، به منظور توانمندسازی محلات حاشیه‌نشین (محلات حاشیه‌نشین سیلاب، احمدآباد و یانوق دره سی تبریز)، پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، دوره ۴، شماره ۶. https://csr.basu.ac.ir/article_1423.html
۲۲. گل، یان، (۱۳۸۹)، فضاهای عمومی و زندگی جمعی، مترجم: غفاری، علی، سهیلی پور، مصادق، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۲۳. محسنی، رضاعلی. (۱۳۸۹). مسئله حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی با تاکید بر توانمندسازی آن، جغرافیای انسانی، پاییز، شماره ۴. <http://ensani.ir/file/download/article/20120329165151-5114-23.pdf>
۲۴. مدنی پور، علی، (۱۳۸۴)، طراحی فضای شهری، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، شهرداری تهران.
۲۵. مصطفی پور، امید، (۱۳۹۷)، بررسی نقش سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشینی بر میزان آسیب‌های اجتماعی، اولین همایش بررسی چالش‌ها و آرایه راهکارهای نوین مدیریت شهری، تهران، سازمان بسیج



شهرداری تهران. <https://civilica.com/doc/745631/>.

۲۶. نقدی، اسداله؛ صادقی، رسول. (۱۳۸۵)، حاشیه نشینی چالشی فراروی

توسعه پایدار شهری (با تاکید بر شهر همدان)، رفاه اجتماعی، دوره ۵، شماره

۲۰، ص ۲۱۳-۲۳۳.

http://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a_code=A-10-1-309&slc_lang=fa&sid=1

27. Brisson, Z. et al. (2011). "Egypt: From Revolutions to Institutions", New York: Reboot. Accessed April 18, 2011, and available from <http://thereboot.org/wp-content/Egypt/Reboot-Egypt-FromRevolutions-To-Institutions.pdf>
28. Castells, M, (1977) ;"The Urban Question": A Marxist Approach; Cambridge; MIT Press.
29. Kovacic, Z., & Giampietro, M. (2017). Between theory and quantification: An integrated analysis of metabolic patterns of informal urban settlements. *Energy Policy*, 100, 377-386.
30. Pugh, (2003), cedic, squatter settlements, their sustsnability, architectural contributions, and socio-economic roles, in: *cities*, vol 17, no5. [https://dx.doi.org/10.1016/S0264-2751\(00\)00029-9](https://dx.doi.org/10.1016/S0264-2751(00)00029-9)
31. Roy, M., Shemdoe, R., Hulme, D., Mwageni, N., & Gough, A. (2018). Climate change and declining levels of green structures: Life in informal settlements of Dar es Salaam, Tanzania. *Landscape and Urban Planning*. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0169204617303183>
32. Tang TL, West WB. (1998), The importance of human needs during peacetime, retrospective peacetime, and the Persian Gulf War. *Int J Stress Manag.*;5(1):25-37.